مطرح می‌شوند.» این جامعه‌شناس می‌گوید، برعکس جنبش‌هایی که با طرحی از پیش اندیشیده و سازماندهی افقی در دهه ۸۰ شکل می‌گرفتند، ما در این دوره با شورش‌های شهری‌ای مواجهیم (دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸) که از دل به‌هم‌پیوستن بدن‌های منفرد و مجازیی شکل گرفت که به ناگهان در چینشی خودانگیخته، خیابان‌های شهر را برای ساعاتی از آن خود کردند: «به‌ویژه از سال ۹۶ به‌بعد می‌توان گفت از کنشگری سیاسی در احزاب و جنبش‌های اجتماعی کلاسیک تمرکززدایی شد. ما شاهد شکلی از کنشگری مستقیم و غیررسمی بودیم که نخبگان سیاسی را به چالش می‌کشید.»

آتنا کامل معتقد است، در این دوره ما دخترانی را داریم که به‌طور خودجوش و بدون هماهنگی با یکدیگر علیه حجاب اجباری اعتراض کردند و از نمایش تصاویرشان در شبکه‌های اجتماعی جان گرفتند.

دوره پنجم: سال ۱۴۰۱

آتنا کامل، جامعه‌شناس در پایان صحبت‌هایش به حوادث سال ۱۴۰۱ رسید؛ جریانی که از نظر او از دل شرایط زیر برآمد: «یکدست شدن حاکمیت، کرونا و فشارهای اقتصادی.»

او معتقد است، ما در این حرکت با دو رویه موازی مواجه بودیم: «از یک طرف برخورد در این سال‌ها امکان ساخته‌شدن تشکل و رهبر را گرفته است. هر شکلی از کار تشکیلاتی در این دوران سرنوشتی جز قلع و قمع و دستگیری نداشته است. از طرف دیگر با سوژه‌هایی مواجهیم که هیچ رهبری از بالا به پایینی نمی‌پذیرد و خود را عامل تغییر معرفی می‌کند. می‌توان ادعا کرد که ترانه «برای...»، به بهترین نحو این ساختار را عیان می‌کند؛ شعری که هیچ‌کس نگفته و همه‌کس گفته‌اند. شعری که هر تکه‌اش از توئیت افراد مختلفی درآمد و درنهایت از دهان خواننده‌ای بی‌نام خوانده شد و فضا را از آن خود کرد. به این معنا ژینا هم در دقیقه شکل‌گیری، هم در دقیقه تکثیر، حرکتی بی‌سر، متکثر و بدون شاعری بود که طنین‌اش به‌سرعت فضای شهر و خانه را دگرگون کرد.»

او در پایان می‌گوید، جنبش اجتماعی حول یک یا چند مسئله مشخص می‌چرخد که می‌خواهد بر رویه‌های سیاست‌گذاری اثر بگذارد (سیاست‌های نهادمندشده): «هدف این جنبش‌های اجتماعی مقاومت، تغییردادن یا تاثیرگذاری بر نهادهای حاکمیت و رویه‌های جاری آنهاست. این جنبش‌ها همواره با سازوکارهای حاکمیتی درگیرند و معمولاً بر اهداف عینی و ملموس مانند قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان، محیط‌زیست، طرح رتبه‌بندی معلمان و... تمرکز دارند. «امر سیاسی» در پساخیزش‌ها اگرچه در فاصله‌گذاری از دولت تعریف می‌شود اما به هر حال در رابطه با اشکال نهادینه و رسمی حاکمیت تعریف می‌شود و هدف این نوع سیاست‌ورزی همچنان تغییر نظم نهادی مرتبط با سازوکارهای حاکمیتی است. اما اراده بر تغییر بیش از آنکه از طریق بسیج نیروها حول مطالبه از دولت پیش رود، به‌سمت ساخت فضاهای بدیل و گروه‌های همگن پیش می‌رود.»

از الگوهای سلطه تا رهایی‌بخشی فمینیستی

مهسا اسدالله‌نژاد، جامعه‌شناس و پژوهشگر، دیگر سخنران این نشست بود. او درباره شعار «رهایی زن، رهایی جامعه است» و بازخوانی آن در مطالبات زنان ایرانی گفت: «دست‌کم از بعد انقلاب ۵۷، در اسفندماه که اعتراضی همگانی از سوی زنان بیشتر چپ‌گرا در گرفت، ایده این بود که رهایی زن، رهایی جامعه است. این شعار بعد از انقلاب طرح شد و بعد از مدتی به محاق رفت و دوباره در خیزش ژینا تکرار شد. این تکرار وارد آگاهی جمعی مردمی می‌شود که تا زمانی که زن تجربه رهایی نداشته باشد، جامعه هم تجربه رهایی نخواهد داشت.»

به گفته این جامعه‌شناس، در اسفندماه ۵۷، درک نسبتاً ناقصی از اینکه آزادی جامعه در معرض خطر است، وجود داشت: «انگار سایه دوباره سلطه به شکل اجتماعی و فرهنگی دوباره در حال بازگشت است و زنان در راهپیمایی اسفندماه ۵۷ این موضوع را به‌شکل پیشگویانه‌ای بیان کردند. گویی این زنان می‌گفتند ندای آزادی‌خواهی درون انقلاب دارد خاموش می‌شود و زنگ خطر از سوی آنها انگار در حال روشن شدن بود. این زنان به موضوع حجاب واکنش نشان دادند و معتقد بودند که این محدودیت‌ها به اینجا ختم نخواهد شد. کمااینکه قبلش به قانون خانواده و بعدش در فروردین‌ماه ۵۸ به ماجرای لغو آزمون قضاوت زنان اعتراض می‌کنند. انگار نه‌تنها آزادی‌های جدیدی قرار نیست به جامعه تزریق شود بلکه همان چیزی هم که بوده در حال بازستانی است.»

او می‌گوید بعد از انقلاب، در نامه‌نگاری‌هایی که زنان وکیل حتی با مقام معظم رهبری کردند روی این موضوع دست می‌گذاشتند که قانون خانواده قبل از انقلاب قانون خوبی بوده است: «این دقیقه‌ای از یک آگاهی است که خاموش می‌شود. البته که بعداً مثلاً در تیرماه ۵۹ تکرار می‌شود و حضور زنان اتفاق می‌افتد اما توجه جهانی نمی‌گیرد. در اسفندماه ۵۷ از جانب فعالان مرد موضوعی شکل می‌گیرد که زنان به بازگشت ضدانقلاب کمک می‌کنند و می‌گویند زنان چشم اسفندیار انقلابند. نگران بودند که نکند با اعتراض زنان انقلاب تازه‌پا فرو بریزد. همین موضوع کم‌کم باعث می‌شود که خواست زنان و شعار «در بهار آزادی، جای حق زن خالی»، فروکش کند.»

به گفته او، در سال ۹۶ اتفاق مهمی روی داد که درواقع انگار دوباره زنانی بلند شدند و کل سیستمی که بدن زن را منقاد می‌کند دوباره به نقد کشیده شد. اما حرکت‌های بعدی حسی را در همه بیدار کرد که: «می‌خواهیم آزاد باشیم.» اما زنان در درجه اول گفتند که ما سوژه‌های تحت انقیادیم که خیلی هم نمی‌توانیم مدام در حال مذاکره و مطالبه باشیم. انگار دیگر وقت آن است که حضورمان را نشان دهیم و نیازی هم نیست که مدام از شما مطالبه کنیم. هرچند کارزارهایی برای مطالبه وجود داشت اما کیفیت متفاوتی از مطالبات اتفاق افتاد و ترجیح داد که خودش آزادی خودش را تجربه کند و نمایش دهد و دیگر از کسی طلب نکند که به او آزادی دهد. انگار این مردم احساس کردند که چیزی از ستم بر زنان به آنها مرتبط می‌شود و فهم مشترکی از ستم شکل گرفت. انگار بقیه هم حس کردند، تا زمانی که زن تحت سلطه است ما هم تحت سلطه‌ایم. میل به تحت سلطه نبودن آشکار شد و هنوز هم وجود دارد.»

او با طرح این پرسش که وقتی از رهایی‌بخشی حرف می‌زنیم، منظورمان چیست؟ می‌گوید: «شعار «رهایی زن، رهایی جامعه است» متأثر از موج دوم فمینیسم است. این موج خودش را جنبش رهایی‌بخش زنان می‌دانست و باورش هم همین بود که ساختارهای پدرسالار و استثمارگر، کل جامعه را در بر می‌گیرد. اما ما چطور این شعار را تجربه کردیم یا می‌کنیم؟ خود رهایی‌بخشی را می‌توانیم به دو شکل بفهمیم؛ شکل اول این بود که در حرکت اخیر، عده‌ای انتظار تغییر نظم کلی از یک جنبش فمینیستی داشتند. انگار که هرچیزی غیر از آن معنای رهایی نداشت و انگار فهم این بود که رهایی یک جنبش اجتماعی یک غایت مشخص دارد و پایانش هم زمان پیروزی است. این شکل، جدای از اینکه رهایی‌بخشی را یک فرآیند نمی‌بیند، همواره رهایی را در نسبت با یک دیگری می‌فهمد که من برده‌ام و باید آزاد شوم. اما این فهم از رهایی، فهمی است که نقد می‌شود برای اینکه این فهم در مواقعی بازتولید بردگی / اربابی می‌کند.»

اسدالله‌نژاد خوانش دوم را قابل دفاع می‌داند: «این خوانش به دنبال این است که بگوید رهایی یک فرآیند است؛ یعنی هیچ‌وقت نمی‌توانیم بگوییم که در مومنتی قرار گرفتیم که از این لحظه دیگر یک فرد می‌گوید رهایی یافته‌ام و هرگز دیگر تحت سلطه نیستم. رهایی همواره درگیر لحظاتی است که شما آزاد نیستید؛ یعنی همواره حرکتی از ناآزاد بودن به سمت آزاد بودن وجود دارد و دوباره ناآزادی و دوباره آزادی. رهایی‌بخشی بیشتر از اینکه در نسبت با یک ارباب بیرونی باشد، عطف به خود فرد است. آزادی بیشتر از اینکه مسئله‌ای باشد متاثر از مناسبات بیرون، در بسیاری از مومنت‌ها با خود سوبژکتیویته من مرتبط می‌شود. من چه انسانی هستم و چه الگوهای رفتاری‌ای دارم؟ الگوهای سلطه را با خودم حمل می‌کنم؟ درواقع به پرسش کشیدن خود مدنظر قرار می‌گیرد. این به پرسش کشیدن از سوی خود زنان به آنها امکان همواره آغاز کردن می‌دهد. یعنی تجربه رهایی‌بخشی همواره از نو آغازیدن است، نه گرفتار یکسری الگوهای ثابت شدن.»

او معتقد است، اگر رهایی‌بخشی در نسبت سوژه با خودش باشد و اینکه ببیند در کجاها الگوهای سلطه را می‌خواهد به چالش بکشد، درواقع پتانسیلی را در حرکت زنان به وجود می‌آورد که بسیار ویژگی زنانه‌ای دارد و آن اصل پذیرندگی است: «یعنی زنان بیشتر از آنکه روی پای خود بایستند، می‌توانند در ارتباط با رنج‌ها و ستم‌های دیگر قرار بگیرند.»

جنبش بی‌واسطه

نوشین احمدی‌خراسانی، آخرین سخنران این نشست بود. او گفت که در دهه ۷۰ و با انتخابات سال ۷۶ افق تغییری به روی جامعه در چارچوب اصلاحات باز شد و نام رمز آن، تغییرخواهی جامعه مدنی بود: «به همین دلیل با رشد انفجارگونه تشکل‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مدنی در سراسر کشور مواجه شدیم. از دل این نهادسازی‌ها به‌تدریج حرکت‌های سازماندهی‌شده جنبش زنان شکل گرفت. اوج این حرکت‌های سازماندهی‌شده جنبش زنان هم کمپین یک‌میلیون امضاء بود و به‌عنوان بلوغ تشکیلاتی جنبش زنان در آن دوره محسوب می‌شد و عصاره تلاش دو دهه تمام جامعه مدنی زنان بود که در سال ۸۵ انجام شد. در سال ۸۸ هم این افق تغییر بسته شد و گفتند، ماجرا دیگر تمام است. جامعه مدنی که به وجود آمده بود سعی کرد در مقابل این انسداد سیاسی مقاومت کند و واکنشی نشان دهد که به دنبال آن جنبش سبز را داشتیم. درواقع به‌نوعی همبستگی جنبش‌های فعال در آن بود که در جنبش سبز دور هم جمع شدند که این افق تغییر از بین نرود، اما زورشان نرسید و جنبش هم تمام شد و به‌تدریج با نهادهای جامعه مدنی برخورد شد. بسیاری از کنشگران جامعه زنان رفتند، عده‌ای به زندان رفتند و این افق و گفتمانی که شکل گرفته بود، بسته شده بود. در انتهای این جامعه مدنی هنوز چیزهایی مانده بود، ما هنوز بدن‌مان گرم بود و بعد از ۸۸ ادامه دادیم، اما امکان‌پذیر نبود و آن افق تقریباً بسته شده بود.»

احمدی خراسانی در ادامه گفت که جامعه زنده و پویاست و به همین دلیل از سال ۸۸ به‌بعد با ناجنبش‌های اجتماعی زنان مواجهیم که به دنبال آن حرکت بیشتری در عرصه‌های مختلف به‌شکل یک پیشروی آرام شکل گرفت: «قبل از آن هم این ناجنبش‌ها وجود داشت اما بعد از اینکه امکان تحول به‌صورت نیمه‌رسمی و رسمی بسته شد، این ناجنبش‌های اجتماعی هم رشد بیشتری کردند. یکی از مهم‌ترین آنها، ناجنبش زنان درباره حجاب بود که بعد از سال ۸۸ رشد بیشتری پیدا کرد. در دهه ۹۰ گوشی‌های هوشمند موبایل به‌شکل انبوه تولید و فضای مجازی به‌عنوان عرصه‌ای از کنشگری به روی جامعه باز می‌شود. جامعه دو، سه دهه تلاش کرده بود، فرم زندگی و خانواده تغییر کند، رابطه جنس‌ها با هم تغییر کرده بود و حرکت آرامی داشت و مردم زیاد آن را نمی‌دیدند، اما شبکه‌های اجتماعی باعث شد جامعه و حکومت با تصویر خودش مواجه شود. باتوجه به اینکه این تغییرات آمار بود، آنها را فقط می‌توانستیم در آمارها ببینیم. شبکه‌های اجتماعی مانند آینه‌ای بود که در برابر جامعه قرار داده و باعث شد این ناجنبش‌هایی که در جامعه وجود داشت، با حرکت زنان هم‌افزایی داشته باشد. از طرف دیگر نیروهای تندرویی که علاقه به تغییر و تحول نداشتند، عرصه جدیدی برای بگیر و ببند داشتند. بروز و بازنمایی این ناجنبش‌ها باعث شد آگاهی جمعی ایجاد شود و کنشگرانی که خود را در این ناجنبش‌ها کنشگر قلمداد نمی‌کردند، خود را با آن هویت‌یابی کند. همین روند باعث تسریع در رشد این ناجنبش‌ها شد.» او ادامه داد: «دوره پیش از آن کنشگری به‌صورت جمعی، نهادمند و با واسطه بود و تبدیل شدن به کنشگر روند طولانی‌تری داشت، اما پایدارتر بود. علاوه بر این کنشگری جمعی متمرکز بر اشتراکات و مطالبه‌محوری بود و گروه واسطه‌ای به‌نام اصلاح‌طلبان وجود داشت که می‌گفت، ما واسطه تغییر می‌شویم. آن زمان کنشگری بر اشتراکات و اجماع‌سازی متمرکز بود؛ ما می‌توانستیم تکثر خواسته‌ها را در این دوره ببینیم در قالب گروه‌های مختلف. افراد خواسته‌شان را به خواسته جمعی تبدیل می‌کردند که به کنشگری منجر می‌شد. آن زمان استراتژی‌ای وجود داشت که اصلاح‌طلبان می‌گفتند ما واسطه تغییر می‌شویم و کنشگران خواسته‌ها را به آنها منتقل می‌کردند، یعنی همه‌چیز باواسطه اتفاق می‌افتاد. ولی کنشگری امروز، کنشگری فردمحور، بی‌واسطه و غیرنهادمند است که خلاف آن سال‌ها، نه مبتنی بر اشتراکات که مبتنی بر اختلافات است. الان استراتژی نه مطالبه‌محور که مبتنی بر نافرمانی مدنی است. الان هیچ گروه سیاسی‌ای، این جنبش را نمایندگی نمی‌کند.»

آتنا کامل
جامعه‌شناس:
هدف این حرکت‌های اجتماعی مقاومت، تغییردادن یا تاثیرگذاری بر نهادهای حاکمیت و رویه‌های جاری آنهاست. این حرکت‌ها همواره با سازوکارهای حاکمیتی درگیرند و معمولاً بر اهداف عینی و ملموس مانند قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان، محیط‌زیست، طرح رتبه‌بندی معلمان و... تمرکز دارند

نوشین
احمدی‌خراسانی
فعال حقوق زنان:
کنشگری امروز، کنشگری فردمحور، بی‌واسطه و غیرنهادمند است که خلاف آن سال‌ها، نه مبتنی بر اشتراکات که مبتنی بر اختلافات است. الان استراتژی نه مطالبه‌محور که مبتنی بر نافرمانی مدنی است. الان هیچ گروه سیاسی‌ای، این حرکت را نمایندگی نمی‌کند

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - حوزه ثبت ملک همدان - ناحیه یک
شناسه آگهی: ۱۷۹۱۲۷۷
م الف: ۱۱۲۱
آگهی فقدان سند مالکیت
آقای محمد نجفی برابر وکالتنامه ۴۲۷۲۲-۱۴۰۳/۶/۶ تنظیمی دفتر ۳۰ همدان و تاییدیه ۱۴۰۳۸۵۶۵۴۰۹۳۰۰۰۱۶۲-۱۴۰۳/۶/۲۴ همان دفتر با تسلیم دو برگ استشهاد محلی مصدق به مهر دفترخانه ۳۰ همدان از طرف محمود دریایی و خانم فاطمه فخاریان مدعی است که دو جلد اسناد مالکیت شش‌دانگ به‌صورت بالسویه پلاک ۹۲۶۴ فرعی از ۱۰ اصلی واقع در حومه بخش یک همدان که به نام مالکیت به ترتیب ذیل دفتر ۱۰۴ صفحات ۲۸۷ و ۲۹۰ سابقه ثبت دارد و نزد کسی در بیع شرط نیست که به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده. لذا به استناد تبصره الحاقی به ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت بدین‌وسیله آگهی می‌شود تا هر کسی مدعی انجام معامله و یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد از تاریخ انتشار این آگهی طی مدت ۱۰ روز به اداره ثبت اسناد و املاک مراجعه و ضمن ارائه اصل سند مالکیت و یا سند معامله، اعتراض خود را کتباً تسلیم نماید در صورت انقضاء مدت واخواهی و نرسیدن اعتراض و یا در صورت اعتراض چنانچه اصل سند مالکیت ارائه نگردد سند مالکیت المثنی به نام متقاضی صادر و تسلیم خواهد شد. مراتب براساس آخرین اطلاعات سیستم جامع تهیه و گزارش شده است.
رونوشت: ۱- ستاد اجرایی فرمان حضرت امام استان همدان
ناحیه یک - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان - از طرف فریدون رحمانی

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - حوزه ثبت ملک همدان - ناحیه یک
شناسه آگهی: ۱۷۹۱۲۷۴
م الف: ۱۱۲۰
آگهی فقدان سند مالکیت
آقایان علی آرام و محمد ابراهیم کاویان امجد و بهمن شمالی با تسلیم ۶ برگ استشهاد محلی مصدق به مهر دفترخانه ۲۴ همدان مدعی است که سه جلد سند مالکیت به ترتیب ۲ دانگ از شش‌دانگ و ۱/۲۵ دانگ و ۲/۷۵ دانگ از شش‌دانگ پلاک ۱۱۹۱۸ فرعی از ۹ اصلی واقع در حومه بخش یک همدان که به نام‌شان به ترتیب ذیل دفاتر الکترونیکی ۱۳۹۹۲۰۳۲۶۰۰۱۰۱۴۷۷۴ و ۱۳۹۹۲۰۳۲۴۰۰۱۰۱۴۷۷۳ و ۱۳۹۹۲۰۳۲۴۰۰۱۰۱۴۷۷۵ سابقه ثبت دارد و نزد کسی در بیع شرط نیست و به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده. لذا به استناد تبصره الحاقی به ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت بدین‌وسیله آگهی می‌شود تا هر کسی مدعی انجام معامله و یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد از تاریخ انتشار این آگهی طی مدت ۱۰ روز به اداره ثبت اسناد و املاک مراجعه و ضمن ارائه اصل سند مالکیت و یا سند معامله، اعتراض خود را کتباً تسلیم نماید در صورت انقضاء مدت واخواهی و نرسیدن اعتراض و یا در صورت اعتراض چنانچه اصل سند مالکیت ارائه نگردد سند مالکیت المثنی به نام متقاضی صادر و تسلیم خواهد شد. مراتب براساس آخرین اطلاعات سیستم جامع تهیه و گزارش شده است.
ناحیه یک - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان - از طرف فریدون رحمانی

خبرسازان

آخرین وضعیت ایمنی مدارس

رئیس کمیته ایمنی شورای اسلامی شهر تهران گفته است که در لیست ۱۲۹ ساختمان ناایمن بحرانی، نام هیچ مدرسه‌ای وجود نداشت؛ اما بررسی وضعیت ایمنی سازه‌ای ساختمان‌ها را سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهرداری تهران انجام می‌دهد. مهدی بابایی در این باره گفت: «سازمان مدیریت بحران تاکنون از ۱۶ هزار ساختمان حیاتی و بلندمرتبه، سه هزار ساختمان را مورد بررسی ـ از لحاظ ایمنی سازه‌ای ـ قرار داده است.» او ادامه داد: «با تعاملاتی که بین سازمان آتش‌نشانی و دستگاه قضا وجود دارد، برگزاری جلسات بررسی وضعیت این ساختمان‌ها نسبت به قبل مستمر شده است. امیدوار هستیم امروز با این پیگیری ویژه که از طرف قوه‌قضائیه صورت می‌گیرد سرعت ایمن‌سازی ساختمان‌های ناایمن افزایش یابد و از سویی دیگر با ورود قوه‌قضائیه، پیشگیری در حوزه ساختمان‌های ناایمن قوت بگیرد.»

۳ میلیون نفر روی پهنه فرونشستی

رئیس بخش خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با بیان اینکه نرخ فرونشست در تهران به ۲۰ سانتی‌متر رسیده، گفته که سه‌میلیون نفر در تهران روی پهنه فرونشستی زندگی می‌کنند. علی بیت‌اللهی در این باره گفت: «در حال حاضر نرخ فرونشست زمین در تهران به‌ویژه در منطقه جنوب غربی تهران در بیشینه به ۲۰ سانتی‌متر در سال رسیده است. این پهنه فرونشستی وسعتی در طول ۵۰ کیلومتر و به‌عرض ۳۰ کیلومتر دارد و پهنه وسیعی را اشغال کرده است.» او ادامه داد: «هرچه به انتهای این پهنه فرونشستی می‌رسیم به‌تدریج نرخ فرونشست کم می‌شود و در حاشیه به صفر می‌رسد.» رئیس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با اشاره به مناطقی از تهران که درگیر پدیده فرونشست زمین هستند، گفت: «جنوب غربی مرکز شهر تهران شامل مناطق چهاردانگه و اسلامشهر می‌شود، اما مناطقی مانند ۱۷، ۱۸، ۱۹ و جنوب منطقه ۲۱ درگیر فرونشست زمین هستند و در مناطق ۱۰ و ۱۱ هم شاهد فرونشست زمین به‌صورت لکه‌ای هستیم.»

ورود مدیران به خطوط ویژه ممنوع

دبیر شورای ترافیک استانداری تهران خبر داده است، با هماهنگی‌ای که در اوایل جلسه شورای هماهنگی ترافیک استان صورت گرفت، موقتاً ورود تمام مدیران استانی به خطوط ویژه ممنوع شد. ابوالفضل دربانی در پاسخ به سوال مجری مبنی بر اینکه فقط توجیه‌شان کنید که اگر سربازی جلوی‌شان را گرفت ناراحت نشوند، گفت: «ابتدا باید از خودمان شروع کنیم. مدیران نیز باید در ترافیک بمانند تا درک کنند. در همین راستا هماهنگی لازم با پلیس راهبر نیز صورت گرفته است که در صورت عدم‌رعایت، اسامی این مدیران جهت تذکر اعلام می‌شود.» دبیر شورای ترافیک استانداری تهران با بیان اینکه ۱۲ میلیون و ۷۰۰ هزارتومان نرخ پایه سرویس مدارس است، گفت: «باتوجه به مسافت دانش‌آموز، اگر شیب بالای ۵ درصد باشد، نرخ سرویس مدرسه حداقل ۱۲ میلیون و ۳۰۰ هزارتومان و حداکثر ۱۶ میلیون تومان خواهد بود، اما متأسفانه گاهی در بازار ثانویه نرخ‌ها تا ۳۰ میلیون تومان نیز اعلام می‌شود.»